

نقش اعتقاد به ویژگی علم انبیاء و اهل بیت علیهم السلام در تخلق به اخلاق اسلامی از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی علیه السلام

dwmyyk@gmail.com

نارالله نوروزی منش / کارشناس ارشد تربیت مربی اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

h.hosseinkhani@yahoo.com

هادی حسین خانی / استادیار گروه اخلاق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

tmohader@gmail.com

تقی محدر / دکترای فلسفه اخلاق تطبیقی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

چکیده

یکی از ضروریات دین اسلام، اعتقاد به انبیا و اهل بیت علیهم السلام است. در قرآن و روایات، ویژگی‌های مختلفی برای آنها بیان شده است. یکی از این ویژگی‌ها، که بسیار مورد تأکید آیات و روایات اسلامی است، مسئله علم این ذوات مقدسه است. با توجه به اینکه رفتار و اعمال انسان متناسب با نوع شناخت و جهان بینی اوست؛ اعتقاد داشتن به این ویژگی، تأثیر مهمی در تخلق به اخلاق اسلامی خواهد داشت. این مقاله درصدد بررسی آثار اعتقاد به ویژگی علم انبیا و اهل بیت علیهم السلام در تخلق به اخلاق اسلامی است. این موضوع، با روش توصیفی و تحلیلی و ناظر به دیدگاه استاد مصباح یزدی علیه السلام مورد پژوهش قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهشی این نوشته در سه جهت قابل بیان است: اول اینکه، اعتقاد به چنین ویژگی، موجب می‌شود با شناخت فضائل و ردائل اخلاقی از منبع موثق، زمینه تخلق به اخلاق اسلامی فراهم شود. دوم اینکه در سایه این علم می‌توان مسائل بنیادی اخلاق، مانند معیار ارزشمندی رفتارهای اخلاقی را تبیین کرد. سوم اینکه اعتقاد به آگاهی آنها و نظارت بر اعمال انسان، موجب حیاء و ترک گناه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اعتقاد، اخلاق اسلامی، تخلق، انبیا و اهل بیت علیهم السلام، علم، نظارت، مصباح یزدی علیه السلام.

مقدمه

در آیات و روایات برای انبیاء و اهل بیت علیهم السلام ویژگی‌های گوناگونی بیان شده است که شناخت آنها، در مسیر سلوک و تخلق به اخلاق اسلامی مفید فایده است. از آنجاکه شکل‌گیری صفات و رفتارهای انسانی، بر اساس نوع جهان‌بینی و عقائد اوست (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۱) می‌توان با شناخت و اعتقاد به واسطه‌های فیض‌الهی و ویژگی‌های آنها، گامی استوار در جهت تخلق به اخلاق اسلامی برداشت. در واقع با ایجاد بینش صحیح، زمینه‌گرایش درست و رفتار مناسب فراهم شود. در این نوشته، ویژگی علم این ذوات مقدسه بررسی و نقش اعتقاد به آن، در تخلق به اخلاق اسلامی بیان می‌شود.

مبحث علم انبیا و اهل بیت علیهم السلام از دیرباز مورد توجه علما و اندیشمندان اسلامی بوده است و در جهات مختلف آن بحث کرده‌اند. اما از دید اخلاقی و تأثیر آن در اخلاق، کمتر مورد توجه بوده است. بعضی از اندیشمندان اسلامی، ذیل شرح ادعیه و زیارات اهل بیت علیهم السلام به این مسئله پرداخته‌اند. علامه مصباح یزدی رحمته الله علیه یکی از اندیشمندانی است که این در مورد بحث‌های فراوانی دارند ولی دیدگاه ایشان در میان کتاب‌های مختلف پراکنده است. در این نوشته، جمع‌آوری، توصیف و تحلیل دیدگاه ایشان، پیرامون نقش اعتقاد به علم انبیا و اهل بیت علیهم السلام در تخلق به اخلاق اسلامی مورد نظر است. ابتدا به برخی از آثار ایشان، که با این نوشته مرتبط است، اشاره می‌شود.

آیت‌الله مصباح یزدی رحمته الله علیه در کتاب *اصول عقائد و صهبای حضور*، به موضوع علم اهل بیت علیهم السلام، اهمیت و گستره آن، به‌طور اجمالی اشاره می‌کند.

در کتاب *نقش تقلید در زندگی انسان* به بررسی مقام‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و انتقال آنها به اهل بیت علیهم السلام بحث می‌کند. یکی از این مقام‌ها که مورد بحث قرار گرفته است، بحث تفسیر قرآن است و دیگری، تربیت و تزکیه است که لازمه آن، داشتن علم است. همچنین در کتاب *آفتاب ولایت و جامی از زلال کوثر*، چگونگی استفاده از علم معصوم در زمان غیبت را مورد بررسی قرار داده‌اند و در کتاب *در پرتو ولایت* به منبع علم اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کند و چند منبع را برای آن نام می‌برند.

مفهوم‌شناسی

اعتقاد: در لغت‌نامه دهخدا/ اعتقاد را به‌معنای در دل گرفتن و قرار دادن در دل گرفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۹۱۷). در اینجا اعتقاد به‌معنای باور و ایمان قلبی به‌کار رفته است.

علم: علم در معنای لغوی آن، به‌معنای «آگاهی از واقعیت» است (مصباح یزدی، ۱۳۹۵، ص ۴۵). «مفهوم لغوی این کلمه و معادل‌هایش در زبان‌های دیگر، مانند دانش و دانستن در زبان فارسی، روشن و بی‌نیاز از توضیح است» (همان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۶۳). معنای مورد نظر از علم در این نوشتار، مجموعه معارف اصلی و

فرعی است که بشر به آن نیاز دارد و خداوند متعال، آن را در اختیار پیامبر خود و جانشینان آن حضرت قرار می‌دهد (همو، ۱۳۹۷، ص ۴۳۴-۴۳۶).

تخلق: در لغت به معنای چیزی است که در اخلاق انسان ظاهر شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۸۶).
اخلاق: اخلاق واژه‌های عربی از ریشه «خُلِقَ» و «خُلِقَ» و به معنای سجیه و طبع به کار رفته است که شامل طبع و سرشت خوب و پسندیده و طبع و سرشت بد و ناپسند است. اخلاق با واژه خُلُق هم‌ریشه است؛ با این تفاوت معنایی که خُلُق، اشاره به صورت باطنی دارد، ولی خَلَق اشاره به صورت ظاهری، و هر دو دارای صفات زیبا و زشت هستند (همان).

در اصطلاح، طبق نظر علامه مصباح یزدی که نسبت به تعاریف دیگر از جامعیت بیشتری برخوردار است، اخلاق این گونه تعریف می‌گردد: «ملکات و صفات نفسانی و رفتارهای ارزشی انسان» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۱۴). در این تعریف، اخلاق اعم است از صفات خوب و بد، از آن جهت که با فعل اختیاری انسان مرتبط و قابل اکتساب و اجتناب بوده، به علاوه همه کارهای اختیاری ارزشی انسان، که متصف به خوب یا بد می‌شود و می‌تواند برای انسان کمال یا نقص را موجب شود (همان).

علم انبیا و اهل بیت علیهم السلام

یکی از تفضل‌های خدای متعال برای راهبران الهی، نعمت علم است (نساء: ۱۱۳). هر پیامبری که از سوی خدای متعال برای هدایت بشر آمده است، دارای علم کافی و من عند الله (کهف: ۶۵) بوده است. هر کسی که رهبری و امامت گروهی را به عهده می‌گیرد، باید دارای علم مربوط به هدایت‌گری و امامت خود باشد. هر مقدار وظیفه سنگین‌تر و مهم‌تر باشد، نیاز به این تفضل و نعمت الهی بیشتر است. پیامبران الهی و ائمه معصومان، به خاطر داشتن وظیفه‌ای سترگ، برخوردار از علم الهی بوده‌اند. این برخورداری از علوم در آیات گوناگون، توسط خدای متعال گوشزد می‌شود. در آیه‌ای از علم حضرت آدم علیه السلام (بقره: ۳۳) و در آیه‌ای دیگر، از تعلیم به حضرت لوط علیه السلام صحبت می‌کند (انبیاء: ۷۴). در جای دیگر، در مورد علم حضرت داود و سلیمان علیهم السلام (نمل: ۱۵) و در سوره‌های دیگر، از تفضل خود در رابطه با پیامبر اسلام (نساء: ۱۱۳) یاد می‌کند.

این تفضل و نعمت در مورد پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت علیهم السلام ایشان، به نهایت خود می‌رسد و آنها را برخوردار از گسترده‌ترین علم معرفی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵). در روایات گوناگونی، به علم اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۷۵). گستره دانش ایشان، تا جایی است که علم آنها، ریزترین مسائل از جمله ارش النخدش را در بر می‌گیرد (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴۵). بسیاری از علوم را از پیامبر گرامی اسلام به ارث برده‌اند (الهامی، بی‌تا، ص ۲۹۹). البته علوم ایشان، منحصر به علوم وراثتی از رسول خدا نبوده و از راه‌های دیگر، از جمله الهام و تحدیث کسب علم می‌نمودند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۶).

ویژگی‌های علم انبیا و اهل‌بیت

علوم انبیا و اهل‌بیت نسبت به علوم افراد عادی دارای ویژگی‌های است که آنها را متمایز می‌کند و زمینه‌ی ضرورت مراجعه به آنها را فراهم می‌کند. به چند ویژگی از آنها اشاره می‌شود.

۱. خدادادی بودن: یکی از ویژگی‌های علوم انبیا و اهل‌بیت این است که سرچشمه از علم لایزال الهی دارد و در قالب وحی و یا الهام و یا از وراء حجاب به آنها افاضه می‌شود (شوری: ۵۰). آیت‌الله مصباح یزدی در بیان علت اینکه تبیین قرآن فقط در صلاحیت رسول خدا و اهل‌بیت ایشان است، می‌فرماید: «تبیین وحی و تفصیل احکام الهی و تفسیر قرآن کریم، کاری است که جز در صلاحیت پیامبر و امامان معصوم نیست؛ زیرا تنها آنان هستند که با علم خدادادی به علوم و معارف الهی آشنایند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۷۶).

۲. جامعیت: یکی دیگر از ویژگی‌های علم ایشان، جامعیت آن است که همین جامعیت، موجب خلافت انسان برای خدای متعال می‌شود. آیت‌الله مصباح یزدی در این رابطه می‌فرماید:

ملاک تفویض خلافت الهی از سوی خدا به آدم، چه بود؟ از آیات قرآن درمی‌یابیم که ملاک، «علم به اسما» بود... شاید بتوان گفت: ملاک خلافت، جامعیت بین اسما است؛ یعنی موجودی لایق خلافت است که همه‌ی اسما را بداند... اجمالاً می‌توان ادعا کرد که مناسب حکم و موضوع مقتضی این است که هم اسمای خدا را بداند و هم اسمای مخلوقات را، و چون موضوع، خلافت مطلق است، قاعده این است که به همه‌ی اسما و صفات خدا علم داشته باشد تا بتواند خلیفه‌ای کامل برای او و نیز عالم به همه‌ی مخلوقات باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۸۶).

با توجه به اینکه حضرت آدم انسان کامل و یکی از انبیای الهی بوده است، به مقتضای رسالتی که خدای متعال برای او و انبیا بعد از ایشان در نظر گرفته است، دارای علم جامعی بوده است که به پیامبران بعد از خودش رسیده است. در مورد ارث بردن علم توسط رسول اکرم، امام صادق می‌فرماید: «محمد علم تمام کسانی را که پیش از او از پیامبران و مرسلین بودند به ارث برد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۴). و این علم جامع از پیامبر به اهل‌بیت ایشان به ارث رسیده است (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۵).

با توجه به رسالت قرآن کریم، که برای هدایت بشر نازل شده است (بقره: ۲)، باید همه‌ی معارف مورد نیاز بشر را در بر داشته باشد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه‌ی هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است (نحل: ۸۹)؛ طبق این آیه شریفه، همه‌ی مطالب مورد نیاز در امر هدایت در قرآن وجود دارد و پیامبر اسلام نیز وظیفه تبیین این معارف را به عهده دارد (نحل: ۴۴). لازمه‌ی تبیین و تفسیر رسول گرامی اسلام این است که ایشان خود نسبت به این معارف علم داشته باشند و گستره‌ی آن نیز باید به اندازه گستره معارف قرآن که همان هدایت انسان است، باشد زیرا در قرآن مبین بودن رسول خدا، به صورت مطلق بیان شده است.

۳. اتقان و خطانپذیری: در قرآن آیاتی وجود دارد که به صراحت در مورد حفظ پیام الهی، که توسط انبیای الهی به مردم رسانده می‌شود، سخن می‌گوید و از حفاظت شدید آن، از دستبرد شیاطین پرده

برداشته، و می‌فرماید: «دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش‌رو و پشت سر برای آنها قرار می‌دهد تا بدانند پیامبرانش رسالت‌های پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند؛ و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است (جن: ۲۸-۲۶). همچنین در آیه‌ای دیگر نزول و حفاظت از قرآن کریم را خدای متعال به خودش نسبت داده، و می‌فرماید: «ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما به‌طور قطع نگهدار آنیم» (حجر: ۹). با توجه به اینکه قسمت عمده علوم اهل بیت علیهم السلام از قرآن کریم است و خدای متعال حفاظت آن را به عهده گرفته است، بخش دیگر این علوم نیز همان‌طور که اشاره شد، از منابع گوناگونی مانند تحدیث و الهام به‌دست می‌آید که بدون خطا بودن آنها، با توجه به عصمت اهل بیت علیهم السلام مشخص می‌شود.

نقش اعتقاد به علم انبیا و ائمه در تخلق به اخلاق اسلامی

اگر بتوان بر پایه علوم و معارف بدون خطا و اشتباه الهی، که توسط وسائط فیض به بشر رسیده است، مکتب اخلاقی پایه‌گذاری کرد، بسیاری از مشکلات مکاتب اخلاقی بشری از بین می‌رود؛ زیرا دیگر نه اختلافی در نسخه‌های اخلاقی وجود دارد و نه به‌طور مرتب خبری از نقض و نقدهای متعدد خواهد بود. علت آن هم وجود یک منبع اصیل برای این معارف خواهد بود که وقتی توسط انسان معصوم تبیین شود (نحل: ۴۴)، دیگر در دریافت مقصود الهی خطایی پیش نخواهد آمد. از سوی دیگر، به علت وجود منبع الهی و واسطه بودن معصوم در انتقال این معارف، برای بشر اطمینان و اعتقاد لازم حاصل می‌شود و با خیال آسوده در پی عمل برخواهد آمد.

در تبیین چگونگی تأثیرگذاری اعتقاد به این وسائط در تخلق به اخلاق اسلامی، می‌توان به‌طور خلاصه گفت: این تأثیر در چند زمینه است که مورد بررسی قرار می‌گیرند.

باور به وجود معارف اخلاقی یقینی و تمسک به آنها

پیروی از ظن، در مقابل پیروی از یقین قرار دارد. یکی از عواملی که ممکن است انسان را از شناخت حقیقت و واقعیت دور کند، پیروی او از ظن و گمان است (یونس: ۳۶). پیروی از ظن و گمان، موجب تردید و تشکیک در متعلق خود می‌شود. به همین جهت، معنای آیاتی که از پیروی ظن نهی می‌کنند، این است که انسان باید دنبال کسب یقین و اعتقاد جزمی برود، نه اینکه چون از پیروی گمان نهی شده است، پس به آن اعتقاد پیدا نکند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۰۲). به‌خاطر سختی و مشکلاتی که در تحصیل یقین وجود دارد، معمولاً افراد زحمت به‌دست آوردن آن را به خود نمی‌دهند و زمانی که ظن آنها به طرفی غالب شد، از همان پیروی خواهند کرد. پیروی از گمان، دارای آفات مختلفی است که حتی ممکن است به انکار قیامت و حساب و کتاب منتهی شود. همچنین موجب پیروی از اوهام و خرافات و در یک کلام، ریشه همه گمراهی‌ها و ضلالت‌ها در پیروی از ظن و گمان است (همان، ج ۱، ص ۲۸۹). یکی از گرایش‌های باطل، که ریشه در

شک‌گرایی دارد، قبول پلورالیسم است (همو، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۹). برخی به علت عدم تلاش برای پی بردن به دین واحد و حقیقی به عقیده همه حق بودن قائل می‌شوند. نتیجه این گرایش، این است که اعتقاد به صحت همه مکاتب اخلاقی و لو متضاد و مخالف هم باشند، به وجود می‌آید.

اما معارف و اوامری که از ناحیه خدای متعال توسط انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام بیان می‌شود به علت ریشه داشتن در علم لایزال الهی، عین واقعیت و حقیقت است. علم الهی، خود عین واقعیت است و تخلف و اشتباه در آن راه ندارد. از سوی دیگر، این علم وقتی توسط وسائلی به بشر می‌رسد که دارای ملکه عصمت و مورد تأیید و تعلیم دیده خدای متعال هستند، دیگر در واقع نمایی آن تردید وجود نخواهد داشت. اعتقاد داشتن به چنین علمی و وسائلی، زمینه پیروی از حدس و گمان را از بین می‌برد و شرایط بهره‌وری از معارف اخلاقی، مبتنی بر دیدگاه الهی را فراهم می‌کند. در واقع اعتقاد این‌چنینی، موجب از بین رفتن شک و تردید می‌شود، شک و تردیدی که خود زمینه شک‌گرایی و پلورالیسم است. بنابراین، اعتقاد به چنین معارفی موجب می‌شود تا کسانی که در پی معارف واقع‌نما و حقیقی و مطابق با واقعیت هستند، در ارزش‌های اخلاقی، که از این طریق به آنها می‌رسد، تردید نکرده و نسبت به راستین بودن آنها، اعتقاد جزمی پیدا کرده و در نتیجه، در پی تخلق به این معارف بریابند.

برداشت معیار ارزش اخلاقی

یکی از مسائل مورد بحث در فلسفه اخلاق، این است که معیار ارزش اخلاقی چیست؟ وقتی از خوب، بد، باید و نباید صحبت به میان می‌آید، منشا آن چیست؟ چه چیزی مشخص می‌کند که فعلی ارزشمند و یا ضد ارزش است؟ مکاتب اخلاقی موجود، پاسخ‌های گوناگون، بلکه متضادی دارند. در مکتب اسلام، کمال‌نهایی انسان «قرب به خدای» متعال است (گروه نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۷) و آن چیزی که به همه افعال و اوصاف انسانی صبغه الهی می‌دهد و آنها را ارزشمند می‌کند، قرار گرفتن آنها در مسیر قرب الهی است (همان، ص ۱۹۸ و ۲۰۲). برای روشن شدن این معیار، باید توضیح بیشتری داده شود.

همه فعالیت‌ها، خواسته‌ها و انگیزه‌ها با همه اختلاف فرمی و شکلی که دارند، برای درک لذت بیشتر و یا دوری از الم و درد است. این لذت‌گرایی در فعالیت‌های حسی مشخص است، اما در مورد پاره‌ای از افعال و رفتارها، ممکن است این انگیزه آشکار نباشد و یا اینکه فرد، به آن توجه نداشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۸۱).

به علت وجود جهان ماده، انسان امکان دستیابی به همه لذت‌ها را ندارد. به همین دلیل به مقتضای عقل، اهم و الذ را انتخاب کند که گاهی به علت درک ناکافی و شناخت ناقص در انتخاب مصداق اهم و الذ، دچار اشتباه می‌شود. توجه به این نکته هم لازم است که لذت‌ها یا اصیل و یا فرعی هستند و جنبه مقدمی دارند. لذتی اصیل است که در رابطه با کمال حقیقی انسان باشد؛ زیرا لذت اصیل آن است که از رسیدن به مطلوب اصیل حاصل می‌شود. پس شناخت لذت اصیل، وابسته به شناخت کمال حقیقی است و بلعکس آن هم صادق است؛ یعنی با شناخت کمال

حقیقی، شناخت لذیذ اصیل هم به دست می‌آید. در نتیجه، اگر کسی طالب عالی‌ترین لذت ممکن‌الحصول، باشد باید عالی‌ترین کمال ممکن‌الحصول را به دست آورد (همان، ص ۸۲).

عالی‌ترین کمال ممکن‌الحصول برای انسان، تعبیری دیگر از کمال نهایی انسان است. کمال نهایی، یعنی اینکه انسان در هر چیزی به با کیفیت‌ترین و با دوام‌ترین لذت‌ها دست پیدا کند. مثلاً انسان فطرتاً در پی کسب علم و قدرت و جمال است. آنها را طلب می‌کند و از آنها لذت می‌برد و به حد معینی از آنها قانع نمی‌شود و هر مقدار از آنها را کسب کند در پی مقدار بیشتری از آنهاست. با توجه به این میل بی‌نهایت که در وجود اوست، دنبال منبعی برای ارضای این میل خود است. اگر او منبعی را بشناسد که دارای این اوصاف بی‌نهایت باشد و بتواند با اتصال به او خود را به این اوصاف متصف کند، این بالاترین مطلوب و نهایی‌ترین کمال انسان خواهد بود؛ زیرا می‌تواند با اتصال به بی‌نهایت، چیزی را به دست آورد که رنگ بی‌نهایت به خود می‌گیرد. این منبع، که همه اوصاف را در حد بی‌نهایت داراست و انسان می‌تواند با اتصال به او از آنها برخوردار شود، ذات خدای تبارک و تعالی است. وقتی انسان به چنین دیدگاهی دست پیدا کند عالی‌ترین کمال خود را در قرب هر چه بیشتر به خدای متعال جست‌وجو خواهد کرد (همان، ص ۹۶-۹۳).

وجود چنین معیاری، اهمیت خود را در معنا و مصادیق امور اخلاقی نشان خواهد داد. در ارزشمندی بسیاری از عناوین اخلاقی، مانند عدالت، شجاعت، عفت و... اختلافی وجود ندارد، اما آن چیزی که موجب اختلاف در آنها شده است، نبود تعریفی مشخص و مصداقی، روشن از آنهاست. هر مکتب و احیاناً هر جامعه و فردی، مصداقی را از ذیل این عناوین خارج و یا داخل در آن می‌کند که در جامعه‌ای دیگر کاملاً عکس اینجاست. استفاده از این معیار، در تبیین معنای امور اخلاقی بسیار راه‌گشا خواهد بود و می‌تواند چنین اختلافاتی را از بین ببرد و مردم را از سرگردانی و تحجیر خارج کند و در نتیجه، زمینه‌هایی را فراهم می‌کند تا امکان تخلق به اخلاق الهی در جامعه فراهم شود.

فهم معنا و مصادیق موضوعات اخلاقی

یکی از استفاده‌هایی که از آیات و روایات می‌شود، در جهت روشن شدن معنای مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی و تعیین مصادیق مختلف برای آنهاست. در روایات گوناگون، برخی از موضوعات اخلاقی توسط اهل بیت علیهم السلام معنا شده است و مصادیق گوناگونی برای آنها بیان شده است. برای روشن شدن این بحث به چند نمونه از فضایل اخلاقی و گستره معنایی آنها در روایات اشاره می‌شود.

۱. یکی از فضایل اخلاقی غیرت داشتن و غیور بودن است. در تعریف غیرت گفته شده: «همان ملک‌هایی است که آدمی را به دفاع از مسائل مهم عرفی و شرعی و تلاش در راه حفظ و حراست آنها برمی‌انگیزاند» (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۴۲۰)؛ و سه مورد برای آن برشمردند. ۱. غیرت و حمیت دینی ۲. غیرت و حمیت در مورد

عفت زن ۳. غیرت و حمیت در مورد عفت عمومی. مورد دوم و سوم، در نظر عرف مصداق غیرت هستند و اطلاق غیرت بر مورد اول خالی از تکلف نیست (همان، ص ۴۲۸). مورد دوم و سوم، در روایات و آیات فراوان دیده می‌شود. اما وقتی به متون دینی مراجعه می‌شود دامنه این فضیلت به همین موارد ختم نمی‌شود، بلکه این دامنه به اندازه‌ای گسترش داده می‌شود که حتی بر خدای متعال هم قابل صدق است. مثلاً در روایتی رسول خدا می‌فرماید: «و هیچ‌کس از خدای متعال غیرت‌مندتر نیست و به‌جهت غیرتش فواحش را حرام کرد» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۲۸۰). همان‌طور که بیان شده است، با استفاده کلام معصومان چنین بسط معنایی برای این فضیلت اخلاقی به‌وجود آمده است که اگر دسترسی به کلام معصومان علیهم‌السلام وجود نداشت، از این معرفت بهره‌ای به‌دست نمی‌آمد. در مورد سایر ارزش‌های اخلاقی نیز می‌توان با رجوع به ثقیلین، معنای صحیح و یا معنای جدید آنها را به‌دست آورد. همان‌گونه که بیان شد، در تشخیص مصداق ارزش‌های اخلاقی نیز می‌توان از آیات و روایات استفاده کرد. برای روشن شدن محل بحث، از چند روایت در این زمینه استفاده می‌شود.

۲. یکی از رئال اخلاقی، که هم در عرف مورد مذمت واقع شده است و در روایات گوناگونی قبح آن بیان شده، ردیلت «بخل» است. در نگاه اولیه و کاربرد آن در لغت و بین مردم، یک معنای امساک مالی دارد. این ردیلت در کتاب *مفردات الفاظ قرآن* این چنین تعریف شده است: «امساک و نگه داشتن و حبس کردن اموالی است که حق نیست نگه داشته شود، نقطه مقابل این حالت، جود و بخشندگی است» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۴۳). اما با رجوع به روایات، مصادیق گوناگونی برای بخل بیان می‌شود که بسیاری از آنها، ربطی به امور مالی ندارند. به‌عنوان مثال، چند روایت ذکر می‌شود. رسول خدا در روایتی می‌فرماید: «بخیل واقعی کسی است که نام من پیش او برده شود، ولی بر من درود نفرستد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۲۴۶). همچنین، این تعبیر در قالب افعال تفضیل در مورد کسی که نسبت به واجبات دینی سهل‌انگار باشد، وارد شده است؛ ایشان فرمودند: «بخیل‌ترین مردم کسی است که نسبت به واجباتش بخل می‌ورزد» (شهید اول، ۱۴۰۳، ص ۵۵). همچنین امام صادق علیه‌السلام در روایتی در بیان معنای بخل می‌فرماید: «بخیل کسی است که در سلام کردن بخل می‌ورزد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۲۴۶). همچنین در روایت دیگری، فرمودند: «بخیل کسی است که مالی را از راه غیر خلال به‌دست بیاورد و آن را در غیر موضع حشخ خرج کند» (همان، ص ۲۴۵). همان‌گونه که در این روایات شریفه ملاحظه می‌شود برای بخل که ابتدائاً در مورد مسائل مادی به‌کار رفته است، مصادیقی بیان شده است که در معنای لغوی و عرفی آن وجود ندارد.

یافتن راه‌حل رفع و دفع تعارضات و تزاحمات اخلاقی

منبع معارف اخلاقی بر اساس مکتب اسلام، آیات و روایات شریفه است. آیات قرآن، شامل محکمتات و متشابهات است (آل عمران: ۷) و شناخت آنها از عهده هر کسی بر نمی‌آید و تنها خداوند و راسخون در علم، توان تشخیص آنها را دارند (همان). طبق روایات اسلامی، راسخون در علم اهل بیت گرامی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ج

۱، ص ۲۱۳). از سوی دیگر، در بین روایات نیز به علت وجود تحریف، جعل حدیث، تقطیع و... ناسازگاری‌هایی وجود دارد که موجب می‌شود روایات با آیات قرآن و یا روایات با همدیگر تخالف و تکاذب داشته باشند. این موضوع باعث می‌شود شناخت معارف دینی و اخلاقی مشکل شود. با توجه به اینکه این مسئله، از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام وجود داشته است، راه‌حلی‌هایی توسط آنها ارائه شده است که توجه به آنها، موجب می‌شود این معضل حل شده و معارف دینی و اخلاقی با شیوه‌های صحیح به انسان‌ها برسد.

در روایات اسلامی، یک قاعده کلی مطرح شده است، مبتنی بر اینکه هر چیزی که با قرآن ناسازگار باشد و قابلیت جمع نداشته باشد، کنار گذاشته می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برای هر حقی نمودار درستی است و بر فراز هر صوابی پرتو درخشانی، آنچه با کتاب خدا موافق است عمل کنید و آنچه مخالف کتاب خدا است، وانهدید» (همان، ص ۶۹). طبق این روایت شریف، سنگ محک اصلی معارف، عرضه آنها بر کلام خداست که اگر مخالفتی با آن داشته باشند، کنار گذاشته می‌شوند. در مورد روایات نیز می‌فرماید: «چون حدیثی به شما رسید و از قرآن یا کلام خدا بر آن گواهی یافتید، اخذش کنید و الا برای آورنده‌اش سزاوارتر است (شما آن را قبول نکنید)» (همان). پس در حجیت روایات عدم مخالفت آنها با قرآن و وجود شواهد قرآنی ضرورت دارد.

اما اگر این تعارض و تزاحم در روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام باشد، چند چیز را به‌عنوان موجبات ترجیح بیان کردند که توجه به این موارد، می‌تواند راه‌گشا باشد. امام ششم علیه السلام در پاسخ *خطله* که از اختلاف در حدیث بین دو نفر از اصحاب از ایشان سؤال کردند، فرمود:

حکم آن درست است که عادل‌تر و فقیه‌تر و در نقل حدیث راست‌گوتر و با تقوی‌تر است و به حکم آن دیگری توجه نشود. گفتیم: هر دو در نظر اصحاب ما عادلند و پیش شیعه رضایت بخشند و بر هم برتری و مزیتی ندارند. فرمود: به آن روایتی توجه شود که از ما نقل شده و مدرک حکم آنها است، به هر کدام از دو روایت که مورد اتفاق شیعه است عمل شود و آن روایت شاذ و غیر معروف نزد شیعه ترک شود؛ زیرا در روایت مورد اتفاق تردیدی نیست ... گفتیم: اگر هر دو روایت از شما مشهورند و رجال موثق هر دو را نقل کردند از قول شما؟ فرمود: توجه شود هر کدام با قرآن و سنت موافق است و با عامه مخالف است، بدان عمل شود و آنکه حکمش برخلاف قرآن و سنت و موافق عامه است ترک شود. گفتیم: قربانت، اگر دو تن فقیه حکم، هر دو حکم خود را موافق کتاب و سنت تشخیص دهند ولی یکی از دو خبر مدرک حکم موافق عامه است و دیگری مخالف عامه، به کدام از دو خبر عمل شود؟ فرمود: آنکه مخالف عامه است مایه رشد و هدایت است. عرض کردم: قربانت، اگر هر دو خبر موافق عامه هستند (یعنی هر کدام موافق یکی از مذاهب عامه است)؟ فرمود: توجه شود هر کدام بیشتر مورد میل حکام و قضاتند ترک شود و به دیگری عمل شود. گفتیم: اگر هر دو از این نظر برابر باشند و مورد میل حکام باشند؟ فرمود: اگر چنین باشد، باید صبر کنی تا حضور امام بررسی؛ زیرا توقف در مورد اشتباه بهتر از افتادن در هلاکت است (همان).

در این روایت شریف، چند چیز به‌عنوان مرجحات در بین دو روایت متخالف هستند که برخی ناظر به راوی هستند که عبارتند از: عدل، افقه، صدق و اتقی. برخی دیگر، ناظر به روایت هستند که عبارتند از: شهرت، موافقت قرآن و سنت، مخالفت عامه و مخالفت با میل حکام و قضات عامه. پس یکی از ثمرات اعتقاد به علم انبیاء و اهل بیت علیهم السلام

توجه به آن، این است که می‌توان با استفاده از این علم، مشکل تعارض و تزامن آیات و روایات منقول، که منبع معارف دینی و اخلاقی هستند، را حل کرد.

نظارت بر اعمال

«شهادت» و «رؤیت» در آیات دارای یک معنا هستند. «شهادت» به معنای دیدن و مشاهده اعمال انسان‌ها توسط وسائط فیض است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۱۲). علامه طباطبایی در مورد معنای شهادت می‌فرماید: «شهادت عبارت است از تحمل - دیدن - حقایق اعمال، که مردم در دنیا انجام می‌دهند، چه آن حقیقت سعادت باشد چه شقاوت چه رد، و چه قبول، چه انقیاد، و چه تمرد» (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۲).

نظارت و شهادت بر اعمال انسان، در مرحله اول توسط خدای متعال انجام می‌شود. او به تمامی اعمال و نیات و آنچه در سینه و قلب انسان می‌گذرد آگاه است. آنچه را در خلوت و تنهایی انجام می‌دهد، خدای تعالی ناظر بر آن است. هیچ چیزی از دید او پنهان و مخفی نمی‌ماند. در قرآن کریم، بارها این وصف در مورد خدای متعال به کار رفته است (حج: ۱۷؛ سبا: ۴۷؛ بروج: ۹؛ مجادله: ۶). در روایات هم برای فراهم کردن زمینه ترک گناه، به این صفت خدای متعال توجه شده است و با توجه دادن به ناظر بودن خدای متعال، سعی در جلوگیری از انجام معصیت شده است. مثلاً در روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «از عصیان خداوند در خلوت گاه‌ها بپرهیزید؛ چرا که شاهد، همان حاکم و دادرس است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۴).

پس از خدای متعال، این صفت به انبیای الهی نسبت داده شده است و آنها به‌عنوان شاهد بر اعمال امت و پیروان خود معرفی شده است. در این زمینه، روایت می‌فرماید: «و هنگامی که خدای متعال پیامبری را مبعوث می‌کند، او را بر امت خود گواه قرار می‌دهد» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۸۴). آنها در روز قیامت، با توجه به همین نظارت شهادت می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۸۶). در مورد رسول گرامی صلی الله علیه و آله اسلام نیز می‌فرماید: «ای پیامبر! ما تو را گواه و بشارت‌دهنده و اندازکننده فرستادیم» (احزاب: ۴۵). و در آیه‌ای دیگر دایره این شهادت را به سایر امم و شهدای آنها تعمیم داده، و می‌فرماید: «پس چگونه است (حال آنان) آن گاه که از هر طایفه‌ای گواهی آریم و تو را بر این امت به گواهی خواهیم؟» (نساء: ۴۱). در آیات دیگری، این تحمل و شهادت را علاوه بر خدای متعال و رسول گرامی اسلام به مؤمنان هم نسبت داده، و می‌فرماید: «بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند! و به زودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد!» (توبه: ۱۰۵). طبق روایات فراوانی مؤمنان در این آیه شریفه، وجود مقدس اهل بیت پیامبر گرامی اسلام هستند (صفا، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۲۴).

باور و اعتقاد به اینکه تمام اعمال انسان در برابر دیده الهی و انبیا و اهل بیت علیهم السلام انجام می‌شود، موجب می‌شود تا انسان در اعمال خود تجدیدنظر کند و شرم و حیا از این دیدگان بصیر و بینا سبب می‌شود تا کار

خلاف ادب از انسان سر نزند. هر مقدار ادب و حیاء بیشتر باشد، خود نگهداری انسان بیشتر می‌شود. اعتقاد به اینکه عالم، محضر خدای متعال و اولیا کرام ایشان است، موجب می‌شود انسان سعی و تلاش خود را به کار ببندد تا موجبات رنجش آنها را فراهم نیاورد. در طرف مقابل نیز بی‌حیایی موجب انجام هر کار معصیت و خلافی می‌شود تا جایی که انسان را به بی‌ایمانی می‌کشاند. در روایات، عدم حیا برابر با عدم ایمان قرار داده شده است. فرموده‌اند: «کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۶). باور به وجود ناظر و بیننده، موجب حیا و ترک گناه می‌شود و این اعتقاد در روایات مورد توجه بوده و اهل بیت علیهم السلام با تمسک به همین مسئله پیروان خود را از گناه نهی می‌کردند. امام صادق علیه السلام با اشاره به مسئله «حیا از رسول خدا» می‌فرماید: «زشت و زیبای اعمال بندگان هر روز بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود. پس هر یک از شما باید حیا کند که مبادا عمل زشتی از او بر پیامبرش عرضه شود» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۷۴). وقتی شخصی نسبت به کسی علاقه و محبت داشته باشد سعی می‌کند تا موجبات ناراحتی او را فراهم نکند. هر مقدار محبت و علاقه بیشتر باشد تلاش برای از بین بردن موجبات ناراحتی نیز بیشتر خواهد بود. این موضوع زمینه را فراهم کرده است تا از محبت مسلمانان نسبت به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده و انجام گناه را موجب ناراحتی پیامبر و خاندان او معرفی کنند تا باعث ترک گناه گردد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناراحت می‌کنید؟ گفتند: چگونه ناراحتش می‌کنیم؟ فرمود: مگر نمی‌دانید که اعمال شما بر او عرضه می‌شود و اگر معصیت خدا را در آن ببیند، موجب ناراحتی او می‌شود؟ تلاش کنید رسول اکرم صلی الله علیه و آله را خوشحال کنید و موجبات ناراحتی او را فراهم نکنید» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۶۲). کسی که واقعاً محبت پیامبر را در سینه دارد وقتی متوجه شود با گناهانش خاطر شریف آن بزرگوار آزرده می‌شود سعی می‌کند مرتکب چنین اعمالی نشود. آیا کسی که وجود مقدس بقیة الله الاعظم را عین الله الناظره می‌داند و معتقد است اعمال او به محضر امام زمان عرضه می‌شود سعی در ترک گناه نمی‌کند؟ البته شاهد بودن اهل بیت علیهم السلام بر اعمال شیعیان خود از جهتی دیگر موجب امیدواری می‌شود زیرا وقتی آن بزرگوار این اسائئه ادب و فعل قبیح را می‌بینند برای محبین خود استغفار می‌کند و موجب آمرزش آن گناهان می‌شود. این خود موجب ازدیاد محبت و تبعیت نسبت به این خاندان بزرگوار می‌شود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اما جدایی و دوری من از شما بهتر است برای شما؛ زیرا هر پنجشنبه و دوشنبه اعمال شما بر من عرضه می‌شود، اگر عمل نیکی در آن باشد، خدا را بر آن سپاس می‌گویم و چنانچه عمل بدی در آن باشد، برایتان استغفار و طلب آمرزش می‌کنم» (قمی، ۱۱۲۵، ج ۵، ص ۵۳۷). همچنین مرحوم علامه بزرگوار، سید بن طاووس داستان تشریفی را محضر آن حضرت نقل می‌کند که مؤید این معناست. ایشان می‌فرماید: سحرگاهی در سرداب مقدس بودم که صدای مولایم را شنیدم که با خدای خویش مناجات می‌فرمودند و برای شیعیان خود چنین

دعا می‌کردند: «خدایا! شیعیان ما از شعاع انوار ما و باقی مانده گل ما آفریده شده‌اند و گناهان بسیاری انجام داده‌اند، درحالی که پشت گرمی آنها به محبت و ولایتی است که نسبت به ما دارند. اگر گناهان آنها بین تو و ایشان است (واجبی را ترک کرده و یا حرامی را مرتکب شده‌اند) از آنها درگذر که ما راضی گشتیم، و آنچه از گناهان ایشان که مربوط به خودشان و حقوقی است که بر یکدیگر دارند، خودت بینشان اصلاح فرما و از خمس ما به آنان عطا کن تا از یکدیگر راضی گردند. و ایشان را داخل بهشت گردان و از آتش دورشان ساز، و در غضب و عذاب خویش بین آنها و دشمنان ما جمع مگردان» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۳۰۲). معرفت و باور داشتن به چنین خاندان با کرامتی موجب می‌شود تا پیروان آنها مرتکب اعمالی که باعث رنجش آنها می‌شود، نشوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۰۲). البته باید توجه داشت شناخت و معرفت و همچنین شیعیان و محبین آنها، دارای درجات گوناگونی هستند که حیا هر کدام متناسب با همان درجه معرفت و باور آنها خواهد بود ولی هر کدام به اندازه توانایی و شناخت خود سعی در راضی و خوشنود کردن اهل بیت علیهم‌السلام خواهند داشت. البته یکی از راه‌کارهای شیعه واقعی شدن و رسیدن به درجات بالای پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام توجه به همین ویژگی است که اعمال ما همه مشهود امام است. اگر دقت کنیم و به این حقیقت توجه داشته باشیم که اعمال و نیات و خطورات ذهنی ما از امام زمان علیه پوشیده نیست در کنترل رفتار و گفتارمان دقت بیشتری خواهیم کرد (همان، ص ۴۰۴ و ۴۰۵).

نتیجه‌گیری

۱. ایجاد بینش صحیح منجر به رفتار درست می‌شود. ایجاد نگاه و بینش صحیح در مورد انبیا و اولیای الهی و ویژگی‌های آنها باعث می‌شود زمینه تخلق به اخلاق اسلامی فراهم شود.
۲. علم این ذوات مقدسه، دارای ویژگی‌هایی مانند خدادادی بودن، جامعیت و اتقان و خطاناپذیری است. وجود این ویژگی‌ها زمینه اعتقاد و اطمینان کامل به آنها و در نتیجه، تمسک به آنها را فراهم می‌کند.
۳. با اعتقاد به این علم می‌توان معیار ارزش اخلاقی را مشخص کرد که این خود، موجب جهت‌دهی اعمال انسان به سوی خدای تبارک و تعالی می‌شود.
۴. در بیان معنا و مصادیق ارزش‌های اخلاقی، می‌توان از این علم استفاده کرد. این موضوع موجب گسترش و یا ضیق دامنه ارزش‌های اخلاقی می‌شود.
۵. با توجه به اهمیت تزاحمات و تعارضات اخلاقی، می‌توان راه‌حل آنها را از معارف این ذوات مقدسه، دریافت.
۶. اعتقاد به علم و آگاهی انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به همه اعمال انسان و اینکه هم این اعمال در منظر آنها صورت می‌پذیرد موجب می‌شود صفت حیا در انسان رشد کند و زمینه ترک گناه را فراهم کند.

منابع

- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، *نهج البلاغه*، قم، هجرت.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- _____، ۱۴۰۶، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم، دارشریف رضی نشر.
- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۴، *الطرائف*، ترجمه داود الهامی، چ دوم، قم، نوید اسلام.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷، *ادب فنای مقربان*، قم، اسراء.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳، *قرب الاسناد*، مصحح، مؤسسه آل البیت^{علیهم السلام}، قم، مؤسسه آل البیت^{علیهم السلام}.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم - الدار الشامیه.
- شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۰۷، *الاریعون حدیثا*، تصحیح مدرسه امام مهدی^{علیه السلام}، قم، مدرسه امام مهدی^{علیه السلام}.
- صفا، محمد بن حسن، ۱۴۰۴، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد^{علیهم السلام}*، قم، مکتب آیت الله مرعشی نجفی.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف رضی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵، *تفسیر الصافی*، تصحیح حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیرالقمی*، چ سوم، قم، درالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق، علی اکبر غفاری و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- گروه نویسندگان (زیر نظر آیت الله مصباح یزدی)، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، چ دوم، تهران، مدرسه.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- _____، ۱۳۸۴، *آفتاب ولایت*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- _____، ۱۳۸۳، *آموزش فلسفه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- _____، ۱۳۸۴، *به سوی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- _____، ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- _____، ۱۳۹۵، *رابطه علم و دین*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- _____، ۱۳۹۶، *نظریه حقوقی اسلام*، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- _____، ۱۳۹۷، *راه و راهنما شناسی*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- _____، ۱۳۹۸، *انسان شناسی در قرآن*، چ نهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}.
- مظاهری، حسین، ۱۳۸۸، *کاوشی نو در اخلاق اسلامی*، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.